

## بررسی آثار تعدیل‌کنندگی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین قابلیت‌های مدیران با تجدیدارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی شرکت‌ها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۸  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۶

حبیب‌اله رسولی<sup>۱</sup>

محمد رمضان احمدی<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup>

سعید نصیری<sup>۲</sup>

مهدی بصیرت<sup>۴</sup>

### چکیده:

هدف این پژوهش، بررسی آثار تعدیل‌کنندگی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین قابلیت‌های مدیران با تجدیدارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری تجدیدارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی از سه معیار شامل (تجدیدارائه صورت‌های مالی، تجدیدارائه افزایشی، تجدیدارائه کاهش) و برای اندازه‌گیری احتمال ورشکستگی از مدل تعدیل شده آلتمن (Z - Score) استفاده شده است. بدین منظور سه فرضیه اصلی برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۱۰۳ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از مدل لاجیت، بررسی و آزمون شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که قابلیت‌های مدیران تأثیر منفی و معناداری بر تجدیدارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی دارد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر تجدیدارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی دارد. در نهایت نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین قابلیت‌های مدیران و تجدیدارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی (در صورتی که به روش‌های تجدیدارائه صورت‌های مالی، تجدیدارائه افزایشی) و احتمال ورشکستگی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** قابلیت‌های مدیران، تجدیدارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی، احتمال ورشکستگی، ارتباطات سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، نویسنده مسئول. ایمیل:

ahmadi\_m@scu.ac.ir

۴. استادیار، گروه اقتصاد، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

## ۱- مقدمه

اعتماد به صحت اطلاعات، سنگ بنای بازارهای سرمایه است و گزارشگری مالی متقلبانه این اعتماد را خدشه دار می‌کند (رضایی و ریلی، ۲۰۱۰). استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران، تقلب را هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از یک مزیتی ناروا یا غیرقانونی تعریف می‌کند. انجمن بازرسان رسمی تقلب، تقلب‌های حرفه‌ای را در سه مقوله فساد مالی، سوء استفاده از دارایی‌ها و تقلب در صورت‌های مالی طبقه‌بندی می‌نماید (صدیقی کمال، ۱۳۹۲). طبق گزارش ۲۰۱۶ این انجمن، گزارشگری مالی متقلبانه از لحاظ فراوانی کمتر از دیگر انواع تقلب و از لحاظ اثر مالی بیشترین زیان را به شرکت‌ها تحمیل کرده است. همچنین امروزه پیشرفت سریع فناوری و تغییرات محیطی وسیع، شتاب فزاینده‌ای به اقتصاد بخشیده و رقابت روزافزون موسسات، دستیابی به سود را محدود و احتمال ورشکستگی را افزایش داده است. مالکان، مدیران، سرمایه‌گذاران، شرکای تجاری و بستانکاران به اندازه موسسات دولتی به ارزیابی موقعیت مالی یک شرکت و گرایش آن به ورشکستگی علاقه مند هستند. زیرا در صورت ورشکستگی هزینه‌های زیادی به آن‌ها تحمیل می‌شود. از طرف دیگر، عوامل بسیاری بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی تأثیرگذار است و تاکنون پژوهش‌هایی برای مشخص کردن روابط متغیرهای مختلف مالی و حسابداری با تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی انجام شده است اما به قابلیت‌های مدیران به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی به‌ویژه برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل خواهد داد، کم‌تر توجه شده است.

دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲)، توانایی مدیریت را به‌عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت شود، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی عملیات که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر این، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌رو است، مدیران توانا تر، تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۳). از طرف دیگر، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کند که قابلیت‌های مدیران فشار مالی را کاهش می‌دهد و در نتیجه کاهش فشار مالی، احتمال وقوع تقلب را به طور کلی و تقلب در گزارشگری مالی را به طور خاص کاهش می‌دهد. علاوه بر این قابلیت‌های مدیران با افزایش کیفیت افشا و افزایش شفافیت اطلاعات مالی و کاهش کاهش عدم تقارن اطلاعاتی باعث افزایش حجم معامله‌ها، نقدشوندگی و کاهش احتمال ورشکستگی مالی خواهد شد.

یکی دیگر از عوامل موثر بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی؛ ارتباطات سیاسی می‌باشد؛ اصطلاح روابط سیاسی به منظور روابط نزدیک دولت و واحدهای تجاری استفاده می‌شود (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد ارتباطات سیاسی شرکت‌ها به

سبب دلایل مختلفی از جمله، تحت نظارت بیشتر بودن و یا اهمیت بیشتر دلایلی غیر از کسب سود در این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی، منجر به این خواهد شد که در این شرکت‌ها کمتر به گزارشگری مالی متقلبانه و عملکرد ضعیف و در نتیجه احتمال ورشکستگی رجوع بشود.

بنابراین به نظر می‌رسد در شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند، صرف نظر از توانایی مدیریت، احتمال تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و ورشکستگی مالی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر در شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند، با توجه به اینکه این شرکت‌ها ذاتاً کمتر به تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی روی می‌آورند، بنابراین به نظر می‌رسد شدت رابطه بین قابلیت‌های مدیران و گزارشگری مالی متقلبانه و احتمال ورشکستگی کاهش خواهد یافت. با توجه به مطالب گفته شده و اینکه مسئله تقلب و احتمال ورشکستگی، امروزه به یکی از مباحث اساسی در اقتصاد کشور تبدیل شده است و همچنین با توجه به عضویت سازمان بورس اوراق بهادار در جمع اعضای سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار، الزام به ارتقاء کیفیت اطلاعات مالی، توجه ویژه به جذب سرمایه‌گذاران خارجی، افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده و استمرار روند خصوصی‌سازی در کشور، توجه به تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی اهمیت ویژه‌ای دارد. از این رو با توجه به خلاء پژوهشی‌ای که در این موضوع به نظر می‌رسد وجود دارد، هدف این پژوهش بررسی اثر تعدیل‌کنندگی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین قابلیت‌های مدیران با تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. لازم به ذکر است در این پژوهش به منظور افزایش روایی نتایج، برای اندازه‌گیری تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی از سه معیار شامل (تجدید در ارائه صورت‌های مالی، تجدید ارائه افزایشی، تجدید ارائه کاهشی) و برای اندازه‌گیری احتمال ورشکستگی از مدل تعدیل شده آلتمن (Z - Score) استفاده شده است.

آنچه تحقیق حاضر را از سایر پژوهش‌های مشابه پیشین متمایز می‌سازد، تمرکز بر انگیزه‌های منجر به تجدید ارائه صورت‌های مالی است که پیش از این نادیده گرفته شده‌اند. به عبارت ساده، تمام تجدید ارائه‌ها را نمی‌توان به عنوان نشانه کیفیت پایین گزارشگری مالی تلقی کرد. برای مثال، برخی تجدید ارائه‌ها از حوزه اختیارات مدیریت شرکت خارج هستند. تجدید ارائه‌هایی که در اثر تغییر در مفاد اصول و استانداردهای حسابداری حادث شده‌اند، از این جمله‌اند. حتی عوامل و انگیزه‌هایی در حوزه‌های اختیارات مدیریت وجود دارند که منجر به تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شوند با این وجود نشانه کیفیت ضعیف گزارشگری مالی نیستند. هنگامی که مدیریت قصد انتقال اطلاعات خصوصی خود به سرمایه‌گذاران را دارد تا آنان وضعیت مالی و سودآوری آتی شرکت را بهتر درک نمایند، ممکن است به نحوی اقدام به گزارشگری مالی نماید که تجدید ارائه صورت‌های مالی در دوره‌های آتی را ناگزیر سازد. به این ترتیب نمی‌توان چنین تجدید ارائه‌ای را نشانه کیفیت پایین گزارشگری مالی در دوره‌های گذشته تلقی نمود (بدیچر و همکاران، ۲۰۱۲).

بنابراین در این پژوهش از تجدید ارائه‌هایی است که ناشی از انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریت می‌باشند برای اندازه‌گیری تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی استفاده شده است. و همچنین مطالعات آلتمن یکی از ارزشمندترین مطالعات در زمینه ورشکستگی و بحران مالی می‌باشد که در این پژوهش برای اندازه‌گیری احتمال ورشکستگی از مدل آلتمن تعدیل شده استفاده شده است.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱- قابلیت مدیران و آثار آن بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی

پژوهش‌های زیادی در مورد قابلیت‌های مدیران ( توانایی‌های مدیریتی) نشان داده است که توانایی‌های مدیران، دارای یک توان افزایشی برای توضیح سطوح متغیر کیفیت تصمیم‌گیری شرکت‌ها، در امور اجرایی متنوع شرکت‌ها است و به تبع آن، نتایج اقتصادی برای شرکت در بردارد (گان و پارک، ۲۰۱۷). دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای ثبت توانایی‌های مدیریتی، روشی جامع را ارائه کردند که در آن کارایی کل به دو بخش کارایی در سطح شرکت و بازده سطح مدیریت انفرادی، تقسیم شد. مقیاس توانایی مدیریتی در پژوهش دمیرجیان و همکاران نشان‌دهنده کارایی مدیران در مقایسه با هم‌تایان صنعتی خود در تبدیل منابع شرکت به درآمد است. آن‌ها سپس بهره‌وری در سطح شرکت را از کارآمدی سطح مدیریتی جدا کردند که منجر به توانایی مدیریتی مدیرعامل می‌شود.

از طرف دیگر یکی از موضوعات مهم در حوزه گزارشگری مالی، کیفیت گزارشگری مالی است که می‌تواند دارای اثرات زیادی بر شرکت، اقتصاد و جامعه باشد. به عنوان مثال، در سال‌های اخیر، بازارهای مالی ایالت متحده با افشای متعدد اعمال متقلبانه برخی شرکت‌ها به طور جدی متضرر شده‌اند. از سوی دیگر این رسوایی‌ها زیان‌های جبران‌ناپذیر بر سرمایه‌گذاران وارد آورده و توان رقابت آن‌ها را از میان برده است. بسیاری از این رسوایی‌ها به پس‌انداز افراد، مزایای بازنشستگی، آموزش دانشگاهی و امنیت آینده آن‌ها نیز زیان زده است. اما به جزء این گروه‌ها، مدیران و سایر کارکنان، وکیلان، حسابرسان و حسابداران نیز هر کدام به نحوی از این تقلب‌ها آسیب دیده‌اند (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین بهبود کیفیت گزارشگری مالی دارای اهمیت بالایی است. یکی از عوامل اثرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی، می‌تواند قابلیت‌های مدیران باشد. پژوهش‌های زیادی، مانند بایک و همکاران (۲۰۱۱) گزارش می‌دهند که مدیران اجرایی توانا تر عملکرد تجاری شرکت را بهتر مدیریت می‌کنند و بدین‌وسیله عملکرد شرکت را افزایش می‌دهند. بخش قابل توجهی از ادبیات نشان می‌دهد که مدیران توانا از توانایی خود در مورد کسب و کار خود آگاهی دارند بنابراین می‌تواند قضاوت‌ها و برآوردهای موثری انجام دهند، آنها بهتر می‌توانند منابع شرکت را به درآمد تبدیل کنند و بدین‌وسیله عملکرد شرکت را افزایش می‌دهند. علاوه بر این خطر کسب و کار را به دلیل بهتر شدن، کاهش می‌دهد. قابلیت‌های مدیران بالاتر خطر

درماندگی مالی و خطر حسابرسی را کاهش می‌دهد (کریشنا و وانگ، ۲۰۱۵). بر اساس «مثلث تقلب» (کریس، ۱۹۷۳؛ شوچکوسکی، ۱۹۸۵). انگیزه شرکت‌ها یا مدیران برای انجام تقلب در زمانی که شرکت‌ها با فشار و نیازهای مالی بیشتری روبرو می‌شوند قوی‌تر است. در نهایت، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کند که قابلیت‌های مدیران فشار مالی را کاهش می‌دهد و در نتیجه کاهش فشار مالی، احتمال وقوع تقلب را به طور کلی و تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی را به طور خاص کاهش می‌دهد.

از طرف دیگر، ممکن است مدیران با توانایی عملیاتی بالاتر، آگاهی بیشتری در خصوص وضعیت آتی شرکت، صنعت و روند اقتصادی داشته باشند. از این جهت انتظار می‌رود اقدام تعهدی برآورد شده توسط مدیریت مذکور دقیق‌تر باشند. برای مثال در خصوص برآورد مطالبات مشکوک الوصول که با ارزیابی ضعیف‌تر، ممکن است تنها از نرخ تاریخی مطالبات سوخته شده شرکت استفاده کند. در حالی که یک مدیر توانا ارزیابی بالاتر، علاوه بر روند تاریخی سوخت مطالبات، متغیرهای کلان اقتصادی، استانداردهای صنعت و تغییرات ساختار مشتریان را نیز مدنظر قرار دهد (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). براین اساس به نظر می‌رود هرچه توانایی‌های مدیریتی و ذاتی مدیر بیشتر باشد، کیفیت سود گزارش شده بالاتر خواهد بود. در مجموع شواهد حاکی از آن است که مدیران با تخصص و تجارب بیشتر، احتمال تعدیلات سنواتی و گزارشگری غیر واقعی را کاهش می‌دهند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). براین اساس، احتمال می‌رود توانایی‌های مدیریت در محیط گزارشگری شرکت موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی می‌شود.

همچنین قابلیت‌های بالاتر مدیران می‌تواند منجر به مدیریت کارتر عملیات روزانه شرکت شود، به ویژه در دوره‌های بحران عملیات که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تأثیر زیادی بر عملکرد شرکت دارد. مدیران تواناتر با احتمال بیشتری در پروژه‌های با ارزش فعلی مثبت بالاتر سرمایه‌گذاری می‌کنند و همچنین توانایی بیشتری در اجرای مناسب آن دارند. افزو بر این در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌رو است، مدیران تواناتر تصمیم‌گیری مناسبتری در ارتباط با تامین مورد نیاز دارند (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳). مدیران توانمندتر علاوه بر داشتن دانش و آگاهی بیشتر درباره مشتریان و شرایط کلان اقتصادی، درک بهتری پیرامون استانداردهای پیچیده‌تر دارند و قادرند آن‌ها را به درستی اجرا کنند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین قابلیت‌های مدیران موجب افزایش کارایی و عملکرد شرکت و در نتیجه موجب کاهش احتمال ورشکستگی می‌شود.

## ۲-۲- مفهوم ارتباطات سیاسی و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری متقلبانه

اهمیت درک نقش شرکت‌های دارای روابط سیاسی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، ناشی از رشد آن‌ها و اهمیت متعاقب آن در دهه اخیر است (بیلس و گال، ۲۰۱۲). علاوه بر این، توجه به تأثیر روابط سیاسی در کشورهای آسیایی، از مباحث مورد توجه است که توجه

محققان را به خود جلب کرده است (برکمن و گالپودیچ، ۲۰۱۶). مطالعات اخیر نشان داده‌اند که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، از مزایای اقتصادی متعددی بهره‌مند می‌شوند برای نمونه، این قبیل شرکت‌ها می‌توانند دسترسی آسان‌تری به قانون‌گذاران داشته باشند (فاسیو، ۲۰۱۰)، تأثیر بیشتر بر قانون‌گذاران بگذارند (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶) و متعاقباً قراردادهای دولتی بیشتری را به دست آورند (گلدمن و همکاران، ۲۰۰۹) و ظرفیت استقراض بیشتری را برای خود فراهم سازند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ هاستون همکاران، ۲۰۱۴). به طور کلی می‌توان بیان کرد که شخصیت‌های وابسته به دولت در شرکت‌ها می‌تواند به کاهش رویدادهای مالی خارج از عرف کسب و کار منتج گردد، زیرا در حالی که برای سرمایه‌گذاران غیر سیاسی، سودآوری کسب و کار تنها هدف سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، نفوذ شخصیت‌های سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند هدفی فراتر از سودآوری سرمایه‌گذاری باشد. به عبارت دیگر برای شخصیت‌های سیاسی حاضر در شرکت‌ها، رعایت قوانین، ارتقای رفاه عمومی، کاهش بیکاری و ثبات اقتصادی کشور انگیزه اصلی سرمایه‌گذاری و مشارکت در واحدهای تجاری را شکل می‌دهد (لی و همکاران، ۲۰۰۸؛ بوریسا و همکاران، ۲۰۱۲).

علاوه بر این ادبیات نشان می‌دهد که شرکت‌های وابسته به ارتباطات سیاسی دارای دسترسی بهتر به بازارهای مالی خصوصی نسبت به هم‌تایان خود که دارای ارتباطات سیاسی نیستند، هستند. بنابراین ارتباطات سیاسی برای بهبود ارزش و عملکرد شرکت‌ها، به‌ویژه برای شرکت‌هایی که تحت کنترل دولت نیستند، هستند. به‌عنوان مثال، شرکت‌های وابسته به سیاسی دارای دسترسی به وام‌های بانکی هستند و احتمال بیشتری برای دریافت کمک‌های دولتی با شرایط نظارتی مطلوب دارند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که در این بازارها شرکت‌ها معمولاً انگیزه قوی‌ای برای به دست آوردن سرمایه سیاسی با ایجاد ارتباطات سیاسی برای دسترسی به منابع مالی خارجی دارند. بنابراین می‌توان بیان کرد که ارتباطات اجرایی سیاسی با کمک شرکت‌ها برای به دست آوردن وام‌های بانکی در بازار تأمین مالی خصوصی ایجاد می‌شود؛ بنابراین ما انتظار داریم که ارتباطات سیاسی مدیران نیز به شرکت‌ها در دسترسی به بازار کمک کنند. در این شرایط، اکثر شرکت‌های آینده‌نگر به‌طور مؤثر تلاش می‌کنند تا با تنظیم‌کننده‌های ارتباطات مؤثرتر ارتباط برقرار کرده و حمایت دولت را از طریق یک مدیر اجرایی مرتبط با همکاری سیاسی به دست آورند. که این امر موجب افزایش ارزش شرکت و عملکرد شرکت و در نتیجه کاهش احتمال ورشکستگی شرکت می‌شود.

بر اساس مطالب بیان شده، می‌توان اینگونه استدلال کرد که در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی، وجود این ارتباطات سیاسی منجر به این خواهد شد که مدیران شرکت کمتر به تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی رجوع کنند و همچنین احتمال ورشکستگی پایین باشد در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی و عملکرد مالی در چنین شرکت‌هایی صرف نظر از ویژگی‌های خاص مدیریت شرکت از جمله توانایی آن‌ها، نسبت به شرکت‌های بدون روابط سیاسی، بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد شدت ارتباط بین قابلیت‌های مدیران و تجدید

ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی، از اینکه آیا شرکت دارای روابط سیاسی است یا خیر، تأثیر می‌پذیرد.

### ۳- پیشینه پژوهش

#### ۳-۱- پیشینه داخلی

اعتمادی و زلّی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان « کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه » تقلب صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را با استفاده از برخی از نسبت‌های مالی مرتبط به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های بالقوه تقلب تشخیص داده‌اند. نتایج نشان داد که این مدل نقش اثربخشی در کشف تقلب صورت‌های مالی داشته و می‌تواند به سرمایه‌گذاران، حسابداران رسمی و حسابرسان داخلی و مقامات مالیاتی و نهادهای دولتی و سیستم بانکی کمک زیادی نماید.

فرج زاده دهکری و آقایی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود و در گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شرکت‌هایی که سود تقسیم می‌کنند با احتمال کمتری مرتکب گزارشگری مالی متقلبانه می‌شوند. همچنین، سطح سود تقسیمی نیز رابطه‌ای منفی با گزارشگری مالی متقلبانه دارد. براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفتند که سود تقسیمی حاوی اطلاعاتی در خصوص کیفیت گزارشگری مالی شرکت، به‌ویژه انگیزه‌های منجر به تجدید ارائه صورت‌های مالی است.

ایزدنیا و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که توانایی مدیریتی بر ارائه صورت‌های مالی (سود و زیان)، به‌عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود، تأثیر منفی دارد؛ بدین معنی که مدیران تواناتر، ارائه مجدد صورت‌های مالی کمتری خواهند داشت و در نتیجه کیفیت سود بالاتری دارند.

پیری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که توانایی مدیریت تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. در عین حال، نتایج آن‌ها نشان داده که در دوران بلوغ و افول، توانایی‌های مدیریتی شرکت‌ها نمی‌تواند به افزایش کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها منجر گردد. همچنین نتایج آن‌ها نشان دادند متغیرهای اندازه شرکت، حاشیه سود و صداقت مدیریت تأثیر مستقیم و متغیر اهرم مالی تأثیر غیر مستقیم بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند.

ابراهیمی و طالب نیا (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان « تأثیر مؤلفه‌های مدیریت دانش بر تقلب گزارش‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران » یافتند که کاربرد دانش بر کاهش تقلب گزارش‌های مالی اثرگذار هستند.

منظری و اقدام مزرعه (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر درصد مالکیت نهادی بر احتمال

گزارشگری مالی متقلبانه» شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیر مالکان نهادی با متغیر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوس معنی‌داری دارد. همچنین، اندازه شرکت و اهرم مالی نیز دارای رابطه مستقیم (دارای ضریب مثبت) و معنی‌داری با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه دارند. جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده» یافتند که وجود اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد.

حجازی و مختاری نژاد (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد بین تخصص اعضای هیات مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی اعضای غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی ساختار حاکمیت شرکتی اثربخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد.

مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر روابط سیاسی شرکت‌ها بر به‌کارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که روابط سیاسی به‌طور معناداری موجب کاهش اعتبار فروش غیرعادی به اشخاص وابسته شود. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که روابط سیاسی، مدیریت سود از طریق اعطای اعتبار غیرعادی به‌طور معنادار کاهش می‌دهد.

درزی رامندی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری متقلبانه بر خطر سقوط قیمت سهام با تاکید بر مالکیت مدیریتی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که کیفیت گزارشگری متقلبانه تأثیر معناداری بر خطر سقوط قیمت سهام ندارد. علاوه بر این نتایج پژوهش وی نشان داد که مالکیت مدیریتی تأثیر معناداری بر رابطه بین کیفیت گزارشگری متقلبانه و خطر سقوط قیمت سهام ندارد.

عزیززاده و خداداده‌ی شاملو (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین ضعف کنترل‌های داخلی و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر این است که بین ضعف کنترل‌های داخلی و گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، کیفیت حسابرسی هیچ‌گونه تأثیری بر ارتباط بین ضعف کنترل‌های داخلی و گزارشگری مالی متقلبانه ندارد.

### ۳-۲- پیشینه خارجی

هوانگ و تیروودی (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تقلب شرکت‌ها نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پیشگیری از تقلب رابطه معنی‌دار و مثبتی دارد. ولی ارتباط تعداد جلسات کمیته حسابرسی، تعداد اعضای کمیته حسابرسی با پیشگیری



از تقلب وجود ندارد.

لیوز و مک وی (۲۰۱۲)، چگونگی تأثیر توانایی مدیریتی بر تحریفات عمدی صورت‌های مالی (مدیریت سود) را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که به‌طور متوسط مدیران با توانایی بالاتر به احتمال بیشتری (کمتری) از مدیریت سود اقلام تعهدی (واقعی) استفاده می‌کنند. همچنین آن‌ها دریافتند که پیامدهای منفی مدیریت سود در میان مدیران با توانایی بیشتر کاهش می‌یابد؛ به‌ویژه آن‌ها شواهدی مبنی بر این‌که مدیران توانمند، سود را با موفقیت بیشتری مدیریت می‌کنند.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود تحت عنوان کمی کردن توانایی مدیریتی برای اولین بار اقدام به طراحی الگویی کردند که با استفاده از متغیرهای حسابداری، توانایی مدیریتی را به صورت کمی اندازه‌گیری می‌کند. آن‌ها از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) برای اندازه‌گیری کارایی شرکت استفاده کرده و در مرحله بعدی با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، اقدام به تفکیک توانایی مدیریتی و کارایی ذاتی شرکت نمودند.

کسکی و هانلون (۲۰۱۳) رابطه بین گزارشگری مالی متقلبانه و سیاست تقسیم سود شرکت‌ها را مطالعه کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که شرکت‌های متهم به تقلب، نسبت به شرکت‌های دیگر، سود کمتری پرداخت می‌کنند و سیاست تقسیم سود یکنواختی ندارند.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه توانایی مدیریتی و کیفیت سود پرداختند. آن‌ها چهار عامل تجدید ارائه صورت‌های مالی، ثبات سود، پیش‌بینی مطالبات مشکوک الوصول و کیفیت اقلام تعهدی را به‌عنوان معیار کیفیت سود در نظر گرفتند و برخلاف فرانسویس و همکاران (۲۰۰۸)، از متغیرهای حسابداری به‌عنوان معیار اندازه‌گیری توانایی مدیریتی استفاده کردند. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریتی با هر کدام از چهار معیار کیفیت سود، رابطه مستقیم دارد. همچنین به این نتیجه رسیدند که هرچه توانایی مدیریتی بیشتر باشد، ارائه مجدد صورت‌های مالی کمتر، پایداری سود، پایداری اقلام تعهدی و کیفیت برآورد اقلام تعهدی بیشتر خواهد بود.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) رابطه توانایی‌های مدیریتی و عملکرد شرکت‌ها را در طول دوره بحران جهانی در سال ۲۰۰۸ بررسی کردند. نتایج گویای این است که رابطه بین توانایی و عملکرد شرکت کاملاً مثبت است. در زمانی که توانایی امری کافی محسوب نمی‌شد، شرکت‌های دارای قابلیت و توانایی مدیریتی برتر، بیشترین سرمایه‌گذاری در طول دوره بحران را انجام دادند که نتیجه خلق سوددهی بالا و عرضه اوراق بهادار بیشتر بوده است. همچنین توانایی مدیریتی رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی دارد. در کل، نتایج بررسی‌ها نشان داد که توانایی مدیریتی، عملکرد شرکت را تقویت کرده، عدم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، سوددهی و ظرفیت استقراض را بهبود بخشیده، در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد.

رزالی و ارشد (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به بررسی ارتباط بین «افشای حاکمیت شرکتی و احتمال

گزارشگری مالی متقلبانه» پرداختند نتایج نشان داد که بین اثربخشی کمیته حسابرسی، اثربخشی حسابرسی داخلی و اثربخشی اعضای غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این ارتباطی بین اندازه هیات مدیره و تجربه بین‌المللی اعضای هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه وجود ندارد.

اینیرانت (۲۰۱۵) نقش سه جزء اصلی حاکمیت شرکتی (حسابرسی داخلی، کنترل داخلی و حسابرس مستقل) را بر کاهش تقلب مورد بررسی قرار داد. یافته‌های حاصل تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که در میان سه جزء حاکمیت شرکتی، حسابرسی داخلی به‌عنوان عاملی مهم در کاهش سطح تقلب بوده است. تحقیقات در مورد (وجود، اجرا و اثربخشی) مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد که بعد اثربخشی بیشترین تأثیر را در کاهش سطح تقلب دارد.

وانگ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت و ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که توانایی مدیریت تأثیر منفی و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد. هم‌چنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارد. علاوه بر این نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه دارد.

گارسیا مکه و گارسیا سانچز (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

#### ۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر بیان می‌شود؛  
فرضیه اول: قابلیت‌های مدیران تأثیر معناداری بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی دارد.

فرضیه دوم: قابلیت‌های مدیران تأثیر معناداری بر احتمال ورشکستگی مالی دارد.  
فرضیه سوم: ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی دارد.

فرضیه چهارم: ارتباطات سیاسی تأثیر معناداری بر احتمال ورشکستگی مالی دارد.  
فرضیه پنجم: ارتباطات سیاسی، رابطه بین قابلیت‌های مدیران و گزارشگری مالی متقلبانه را تعدیل می‌کند.

فرضیه ششم: ارتباطات سیاسی، رابطه بین قابلیت‌های مدیران و احتمال ورشکستگی مالی را تعدیل می‌کند.

## ۵- روش پژوهش

### ۵-۱- تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی مانند انحراف معیار انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون لاجیت استفاده شده است. به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری استفاده شود، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین، این پژوهش از لحاظ ماهیت، توصیفی-همبستگی است، زیرا در این نوع پژوهش‌ها پژوهشگر به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش از نرم افزار Excel2010 و Stata14 استفاده شده است.

### ۳-۲- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۹۶-۱۳۹۰ است. در این پژوهش به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدف‌مند (حذف نظام‌مند) استفاده شده است. به این منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شد.

- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آن‌ها آخر اسفند باشد.
  - به منظور همگن بودن اطلاعات، فعالیت آن‌ها تولیدی باشد.
  - معاملات سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
  - اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۰۳ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد.

### ۳-۳- الگوهای پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه تحقیق، مدل تحقیق از نوع رگرسیون چند متغیره است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری گزارشگری متقلبانه مالی از سه معیار شامل (تجدید ارائه صورت‌های مالی، تجدید ارائه افزایشی، تجدید ارائه کاهش) و برای اندازه‌گیری احتمال ورشکستگی از مدل تعدیل شده آلتمن (Z - Score) استفاده شده است. بنابراین، الگوهای زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷).

**الگوهای (۱ تا ۳) پژوهش برای آزمون فرضیه اول پژوهش**

$$\begin{aligned}
 FraudA_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱) \\
 FraudB_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۲) \\
 FraudC_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۳)
 \end{aligned}$$

**الگوی (۴) پژوهش برای آزمون فرضیه دوم پژوهش**

$$\begin{aligned}
 Z_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۴)
 \end{aligned}$$

**الگوهای (۵ تا ۷) پژوهش برای آزمون فرضیه سوم پژوهش**

$$\begin{aligned}
 FraudA_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۵) \\
 FraudB_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۶) \\
 FraudC_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۷)
 \end{aligned}$$

**الگوی (۸) پژوهش برای آزمون فرضیه چهارم پژوهش**

$$\begin{aligned}
 Z_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 LIQUID_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 MTB_{i,t} \\
 &\quad + \varepsilon_{i,t} \quad (۸)
 \end{aligned}$$

**الگوهای (۹ تا ۱۱) پژوهش برای آزمون فرضیه پنجم پژوهش**

$$\begin{aligned}
 FraudA_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 PCON_{i,t} + \beta_3 PCON * TALENT_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} \\
 &\quad + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 LIQUID_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۹) \\
 FraudB_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 PCON_{i,t} + \beta_3 PCON * TALENT_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} \\
 &\quad + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 LIQUID_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱۰) \\
 FraudC_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 PCON_{i,t} + \beta_3 PCON * TALENT_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} \\
 &\quad + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 LIQUID_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱۱)
 \end{aligned}$$

**الگوی (۱۲) پژوهش برای آزمون فرضیه ششم پژوهش**

$$\begin{aligned}
 Z_{i,t} &= \alpha_0 + \beta_1 TALENT_{i,t} + \beta_2 PCON_{i,t} + \beta_3 PCON * TALENT_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} \\
 &\quad + \beta_7 LIQUID_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱۲)
 \end{aligned}$$

متغیرهای الگو در جدول (۱) تعریف شدند.

جدول ۱: تعریف متغیرهای الگو

متغیر مورد بررسی	نماد
قابلیت‌های مدیران	TALENT
ارتباطات سیاسی	PCON
تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی (معیار تجدید ارائه صورت‌های مالی)	FRAUDA
تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی (معیار تجدید ارائه افزایشی)	FRAUDB
تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی (معیار تجدید ارائه کاهش‌ی)	FRAUDC
احتمال ورشکستگی (معیار درماندگی مالی)	Z
اهرم مالی	LEV
فرصت‌های رشد	MTB
اندازه شرکت	SIZE
بازده دارایی‌ها	ROA
زیان مالی	LOSS
نقدینگی شرکت	LIQUID

### ۵- متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش مشتمل بر سه دسته متغیر مستقل، متغیر وابسته و متغیر کنترلی به شرح زیر است:

#### ۵-۴-۱- متغیرهای مستقل

متغیر قابلیت‌های مدیران در این پژوهش به عنوان متغیر وابسته ایفای نقش می‌کند. به پیروی از اندرو و همکاران (۲۰۱۳)، پیری و همکاران (۱۳۹۳) و بزرگ‌اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) در این پژوهش برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت از الگوی ارائه‌شده توسط دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۳)، استفاده شده است. اولین اندازه‌گیری ما از قابلیت‌های مدیران، مجموعه‌ای از قابلیت‌های مدیران است که با استفاده از این توانایی‌ها عملکرد شرکت را بالا می‌برند. به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۳)، از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کرده‌اند. الگوی تحلیل پوششی داده‌ها یک نوع الگوی آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد یک سیستم با استفاده از یک سری خروجی‌ها و ورودی‌ها کاربرد دارد. در ارزیابی کارایی شرکت به وسیله تحلیل پوششی داده‌ها به هر شرکت در هر سال یک نمره کارایی بین صفر و یک نسبت می‌دهیم. حداکثر کارایی برابر با ۱ است و هر چه مقدار به دست آمده کمتر

باشد، به آن معنا است که کارایی شرکت پایین‌تر است. در این پژوهش درآمد حاصل شرکت به‌عنوان خروجی و ۴ متغیر دیگر؛ یعنی بهای تمام‌شده کالای فروش رفته؛ هزینه‌های عمومی، اداری؛ خالص دارایی‌های ثابت مشهود؛ و دارایی‌های نامشهود را به‌عنوان ورودی در نظر گرفته شده است. کارایی کل منابع شرکت از رابطه شماره (۱) به دست می‌آید:

$$Bank\ Efficiency_{i,t} = \frac{SALES_{i,t}}{GOGS_{i,t} + SAEXP_{i,t} + PPE_{i,t} + OPLEAST_{i,t} + LNTGAT_{i,t}} \quad (1)$$

متغیرهای تعریف‌شده در الگوی شماره ۱ به شرح زیر است:

SALES: درآمد کل شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

GOGS: بهای تمام‌شده کالای فروش رفته شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

SG&A: هزینه‌های عمومی، اداری شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

PPE: خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

OPLEAST: هزینه اجاره عملیاتی در سال شرکت  $i$  در سال  $t$  و

LNTGAT: دارایی‌های نامشهود شرکت  $i$  در سال  $t$  است.

دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به‌منظور به دست آوردن قابلیت‌های مدیران و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت کارایی شرکت را به دو بخش جدا یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آنان از الگوی شماره ۲ استفاده کرده‌اند که در آن اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی به‌عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت در نظر گرفته شده‌اند. هر کدام از این ۵ متغیر که ویژگی‌های ذاتی شرکت هستند، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیم بهتری اتخاذ کنند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند.

$$Efficiency_i = \beta_0 + \beta_1 SIZE_{i,t} + \beta_2 market\ Share_{i,t} + \beta_3 Positive\ Free\ Cash\ Flow_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 Foreign\ Currency\ Indicator_{i,t} + \varepsilon_i \quad (2)$$

SIZE: اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی مجموع درآمدهای شرکت استفاده شده است؛

MARKET SHAR: سهم بازار شرکت که از نسبت درآمد شرکت به درآمد کل صنعت

به‌دست‌آمده است؛

Positive Free Cash Flow: جریان نقد آزاد، اگر شرکتی جریان نقد آزاد داشته باشد

عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر داده می‌شود. جریان نقد آزاد به‌صورت زیر محاسبه می‌شود

(مهرانی و باقری، ۱۳۸۸)

جریان نقد آزاد = سود عملیاتی + استهلاک - مالیات پرداختی - هزینه بهره پرداختی - سود

سهام پرداختی؛

AGE: سن شرکت، لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت شروع به فعالیت کرده است؛

Foreign Currency Indicator: فعالیت ارزی شرکت اگر شرکتی فعالیت ارزی داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد؛ و باقیمانده مدل (E1): نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است. الگوی ۲ نیز همانند الگوی تحلیل پوششی داده‌ها باید بر اساس صنعت تحلیل شود. به همین دلیل، در آن متغیرهای مربوط به سطح کل بازار در الگو اثر داده نشده‌اند (دمیرجیان و همکاران، ۲۰۱۲).

### ۵-۴-۲- متغیر تعدیلگر

ارتباطات سیاسی متغیر تعدیلگر این پژوهش است. متغیر مدیریت سیاسی برای اندازه‌گیری اثر اقتصاد سیاسی و روابط سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت<sup>۱</sup>، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رای) دولتی و شبه دولتی<sup>۲</sup> این متغیر با بررسی دقیق یادداشتهای همراه صورتهای مالی و گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی از طریق شناسایی مدیرعامل، اعضای هیأت مدیره، سهامداران عمده، اشخاص وابسته و اشخاص در تعامل با شرکتهای نمونه به انحصار گوناگون، صورت پذیرفت. این متغیر در تحقیق جانسون و میتون (۲۰۰۳)، فاسیو و همکاران (۲۰۰۶)، آنینگ سجاتی (۲۰۰۹) و چنی و همکاران (۲۰۱۲) با اندکی تفاوت از منظر شناخت استفاده شده است. در پژوهش حاضر با جمع سهام در دست اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت و مانند این نوع نهادهای سیاسی، و نیز سهام در دست سهامدار عمده دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رای) دولتی و شبه دولتی، میزان کل مدیریت سیاسی سنجیده می‌شود (داودی نصر، حبیبی، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر روابط سیاسی شرکت به عنوان متغیر مستقل مدل، مطابق با مطالعه حبیب و همکاران (۲۰۱۷)، های و همکاران (۲۰۱۷) و نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) به وسیله یک عامل مجازی اندازه‌گیری می‌شود. بطوری

۱. در ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و پیش از آن در ماده ۴ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ ذکر شده است درخصوص «شرکت وابسته به دولت»، در قوانین تعریفی بعمل نیامده است ولی به نظر می‌رسد منظور از شرکتهای وابسته به دولت شرکتهایی هستند که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند. در تعریف «دولت» نیز می‌توان گفت: ارگانهایی هستند که عمل حکومت را در یک «دولت - کشور» برعهده دارند به ویژه ارگانهایی که قوه اجرایی را اعمال می‌کنند.

۲. در قوانین ایران هنوز هیچ تعریفی از نهادهای شبه دولتی ارائه نشده است. در قانون محاسبات عمومی، وزارتخانه ها، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی تعریف شده اند و نهادهای عمومی غیردولتی هم دارای تعریف هستند. اما برخی از نهادها وجود دارند که جزو هیچ کدام از این گروه‌ها نبوده و در فهرست‌های تعیین شده هم حضور ندارند. بخشهایی است در اقتصاد ایران که از نظر ساختار دولتی نیستند اما غالباً با مدیریت دولتی اداره می‌شوند و می‌توان گفت قانونی است ولی خصوصی نیست و سر راه انتقال از بخش دولتی به خصوصی قرار گرفته است. آخرین برآوردها نشان می‌دهد که تاکنون ۱۹ هزار شرکت شبه دولتی شناسایی شده اند که زیرمجموعه ۶ دسته از نهادها یعنی مؤسسات عمومی، نهادهای نظامی، مؤسسات خیریه، بقاع متبرکه، صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای انقلاب اسلامی قرار می‌گیرند. بسیاری از کارشناسان معتقدند، که اقتصاد ایران در حال ورود به یک اقتصاد غیرشفاف دولتی است که بی‌شک خطر آن از انحصارات دولتی و خصوصی بیشتر است.

که اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (با مالکیت ۱۰ درصد یا بیشتر) از شخصیت‌های وابسته به دولت باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار صفر (۰) اعمال می‌شود.

### ۵-۴-۳- متغیر وابسته

تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی متغیرهای وابسته این پژوهش هستند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی از سه معیار شامل (تجدید در ارائه صورت‌های مالی، تجدید ارائه افزایشی، تجدید ارائه کاهششی) استفاده شده است. در این پژوهش منظور از گزارشگری مالی متقلبانه، تجدید ارائه‌هایی است که ناشی از انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریت می‌باشند. با این وجود، به‌منظور امکان مقایسه یافته‌های تحقیق با سایر پژوهش‌های داخلی و خارجی، گزارشگری مالی متقلبانه به‌عنوان متغیر وابسته (Fraud) به سه شکل زیر تعریف شده است.

**الف)** در صورتی شرکت در این دوره مرتکب گزارشگری مالی متقلبانه شده است که صورت‌های مالی خود را در دوره بعد، تجدید ارائه کرده باشد. به این ترتیب متغیر وابسته (Fraud) مقدار یک را اختیار خواهد کرد. این نحوه تعریف گزارشگری مالی متقلبانه با تحقیقات متعددی که تجدید ارائه صورت‌های مالی را به‌عنوان بارزترین نشانه تقلب و بی‌کیفیت بودن گزارشگری مالی دانسته‌اند، سازگار است.

**ب)** بر اساس مدل دستیابی به پیش‌بینی‌ها، در صورتی شرکت مرتکب گزارشگری مالی متقلبانه شده است که صورت‌های مالی خود را در دوره بعد تجدید ارائه کرده باشد و این تجدید ارائه ناشی از انگیزه‌های متقلبانه مدیریت باشد. در این صورت متغیر Fraud مقدار یک را اختیار خواهد کرد. بر اساس مدل دستیابی به پیش‌بینی‌ها در صورتی تجدید ارائه صورت‌های مالی متقلبانه است که سود گزارش شده اولیه (یعنی، سود مدیریت شده) از سود تجدید ارائه شده (سود واقعی) بزرگ‌تر باشد (تجدید ارائه افزایشی) و همچنین، سود اولیه بزرگ‌تر یا مساوی با سود پیش‌بینی شده مدیران باشد، در حالی که سود تجدید ارائه شده کمتر از سود پیش‌بینی شده است. مدل (۱) این رابطه را نشان می‌دهد.

$$(۱) OI_t \geq MF_t > RI_t$$

در مدل (۱)، OI سود اولیه، RI سود تجدید ارائه شده و MF نیز آخرین پیش‌بینی سود توسط مدیران برای سال t است، که قبل از صورت‌های مالی سال t منتشر شده است. در سایر موارد، تجدید ارائه غیر متقلبانه در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، در صورتی که تجدید ارائه منجر به تغییر سود نشود یا سود تجدید ارائه شده از سود اولیه بزرگ‌تر باشد (تجدید ارائه کاهششی)، شرکت مرتکب تجدید ارائه متقلبانه نشده است (بدیچر و همکاران، ۲۰۱۲).  
 ج) از آنجا که در برخی تحقیقات (لی و همکاران، ۲۰۱۴) کل تجدید ارائه‌های افزایشی،



فرصت‌طلبانه در نظر گرفته شده‌اند، در سومین تعریف از متغیر وابسته، تجدید آردهایی افزایشی به‌عنوان گزارشگری مالی متقلبانه تلقی شده‌اند و در این موارد متغیر Fraud مقدار یک را اختیار می‌کند. در مواردی که شرکت تجدید آرائه ننموده، تجدید آرائه منجر به تغییر در سود نشده است یا تجدید آرائه کاهشی بوده است، Fraud مقدار صفر اختیار می‌کند.

برای اندازه‌گیری احتمال ورشکستگی نیز از مدل تعدیل شده آلتمن (Z - Score) استفاده شده است. بیشتر تحقیقات در زمینه کشف تقلب در گزارشگری مالی بر سودمندی نسبت‌های مالی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های احتمال تقلب در گزارشگری مالی تأکید داشته‌اند (صفرزاده، ۱۳۸۹). مطالعات آلتمن یکی از ارزشمندترین مطالعات در زمینه ورشکستگی و بحران مالی می‌باشد. آلتمن در سال ۱۹۶۸ از روش تجزیه و تحلیل چند متغیره برای انتخاب نسبت‌های مالی استفاده کرد. وی با این روش از میان ۲۲ نسبت مالی که به نظر او بهترین نسبت‌های مالی برای پیش‌بینی ورشکستگی بودند، پنج نسبت را به صورت ترکیبی که از نظر ایشان بهترین پیش‌بینی‌کننده ورشکستگی بود انتخاب نمود. پنج نسبت ترکیبی عبارت‌اند از: قدرت نقد شوندگی، سوددهی، نسبت‌های اهرمی، توانایی بازپرداخت بدهی و نسبت‌های فعالیت. آلتمن با ترکیب این پنج نسبت تابعی ساخت که بهترین عملکرد را در میان دیگر نسبت مالی دارا بود. در این تحقیق جهت اندازه‌گیری احتمال گزارشگری مالی متقلبانه با استفاده از مدل تعدیل شده آلتمن به پیروی از رزالی و ارشد (۲۰۱۴) و مدل ایرانیزه شده آلتمن توسط رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۸) که برای بازارهای نوظهور استفاده خواهد شد مطابق مدل زیر اندازه‌گیری و محاسبه خواهد شد.

$$Z = 1.2x_1 + 1.4x_2 + 3.3x_3 + 0.6x_4 + 0.99x_5$$

$X_1$  = کل دارایی / سرمایه در گردش

$X_2$  = کل دارایی / سود انباشته

$X_3$  = کل دارایی / درآمد قبل از بهره و مالیات

$X_4$  = ارزش دفتر بدهی / ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

$X_5$  = کل دارایی / کل فروش

در این مدل:

if :  $z < 1.23$

شرکت درمانده مالی

if :  $1.23 < Z < 2.9$

ضعیف و درمانده مالی

if :  $z > 2.9$

سلامت مالی

در این تحقیق حدود مقدار مدل  $Z$  - Score، از لحاظ پیش‌بینی کننده احتمال تقلب در گزارشگری مالی و تعیین وضعیت گزارشگری مالی متقلبانه شرکت‌های جامعه آماری تحقیق مطابق رابطه زیر به دو دسته تقسیم شدند: دسته اول شرکت‌های سالم یعنی شرکت‌های که مقدار مدل  $Z$  - Score بیش‌تر از  $2/9$  باشد فرض بر این است که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ندارند. دسته دوم شرکت‌های درمانده مالی و در محدوده درماندگی مالی و ورشکستگی یعنی شرکت‌های که به طور کلی مقدار  $Z$  - Score کمتر یا مساوی  $2/9$  باشد فرض بر این است که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه دارند.

### متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت است.  
 نقدینگی شرکت (LIQUID): برابر است با نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی‌های شرکت.  
 زیان‌دهی (LOSS): متغیر موهومی است که اگر شرکت در سال جاری زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر است.  
 LEV (اهرم مالی): برابر است با نسبت مجموع بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.  
 MTB (فرصت رشد): برابر است با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.  
 برابر است با سودخالص تقسیم بر جمع دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ .

### ۶- یافته‌های پژوهش

#### ۶-۱- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
FRAUDA	۷۲۱	۰/۶۵۸	۰/۴۷۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
FRAUDB	۷۲۱	۰/۳۶۴	۰/۴۸۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
FRAUDC	۷۲۱	۰/۱۸۴	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
Z	۷۲۱	۰/۱۹۲	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
TALENT	۷۲۱	۰/۰۱۶۳	۰/۱۱۱	-۰/۳۲۲	۰/۳۵۰
PCON	۷۲۱	۰/۵۸۲	۰/۴۹۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
SIZE	۷۲۱	۱۴/۰۸۲	۱/۶۲۱	۱۰/۰۸۵	۱۸/۴۵۳

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
LIQUID	۷۲۱	۰/۰۷۰	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰۶	۰/۶۱۰
LEV	۷۲۱	۰/۶۰۱	۰/۱۹۸	۰/۰۴۰۵	۰/۹۸۷
MTB	۷۲۱	۲/۸۲۶	۲/۱۴۵	۰/۳۷۶	۱۸/۰۹۰
LOSS	۷۲۱	۰/۱۵۶	۰/۳۶۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
ROA	۷۲۱	۰/۱۱۰	۰/۱۵۱	-۰/۳۲۴	۰/۶۲۶

\* منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۲) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال میانگین متغیر اندازه واحد تجاری (SIZE) برابر است با ۱۴/۰۸۲ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر فرصت رشد (MTB) برابر ۲/۱۴۵ و برای متغیر نقدینگی شرکت (LIQUID) برابر با ۰/۰۸۳ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش، MTB و LIQUID به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند. همچنین، لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تأثیر داده‌های نامرتب بر نتایج تحقیق، کلیه داده‌های نامرتب متغیرها در سطح یک درصد حذف شده‌اند.

## ۶-۲- آمار استنباطی

متغیرهای وابسته پژوهش تجدید اراده‌های متقلبان صورت‌های مالی (FRAUD)، و احتمال ورشکستگی یک متغیر موهوم است. بنابراین برای برآورد پژوهش از الگوی لاجیت استفاده شده است. در ادامه، به تخمین یا برآورد الگوهای تحقیق با توجه به روش ارجح پرداخته شده و نتایج تخمین الگوهای تحقیق در جداول شماره ۳ تا ۱۴ نشان داده شده است. جدول شماره ۳ نتایج مرتبط با آزمون الگوهای فرضیه اول پژوهش را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، شاخص نکویی برازش (آماره LR) نشان‌دهنده معناداری کلی الگوهای آزمون شده است؛ بر اساس شاخص Log Likelihood نیز هر سه الگو در حالت کلی معنادار هستند. ضریب تشخیص مک فادن نیز نشان می‌دهد که در هر الگو چند درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله‌ی متغیر مستقل و سایر

متغیرهای کنترل توضیح داده می‌شود. افزون بر این، با توجه به معنادار نبودن آماره ولدريج در هر سه الگوی مندرج در جدول شماره ۳، می‌توان گفت که باقیمانده الگوها با هم خود همبستگی سریالی ندارند.

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد الگوهای مرتبط با آزمون فرضیه اول

شرکت‌های دارای تجدید ارائه کاهشی		شرکت‌های دارای تجدید ارائه افزایشی		کل شرکت‌های نمونه		
سطح خطا	آماره Z	سطح خطا	آماره Z	سطح خطا	آماره Z	نام متغیر
۰/۰۰۰	-۳/۸۰	۰/۰۰۴	-۲/۸۷	۰/۰۰۴	-۲/۸۴	$\alpha_0$
۰/۰۰۰	-۳/۶۴	۰/۰۰۰	-۵/۵۴	۰/۰۰۰	-۷/۵۰	TALENT
۰/۰۰۱	۳/۲۷	۰/۱۵۲	۱/۴۳	۰/۰۰۰	۴/۲۷	SIZE
۰/۴۷۲	-۰/۷۲	۰/۰۱۴	۲/۴۵	۰/۱۲۸	۱/۵۲	LIQUID
۰/۲۷۹	-۱/۰۸	۰/۰۱۶	۲/۴۲	۰/۳۳۴	۰/۹۷	LEV
۰/۰۴۷	-۱/۹۹	۰/۲۲	-۱/۲۳	۰/۰۰۱	-۳/۳۰	MTB
۰/۴۹۱	۰/۶۹	۰/۰۳۱	-۲/۱۶	۰/۲۵۶	-۱/۱۴	LOSS
۰/۵۲۸	۰/۶۳	۰/۳۵۶	۰/۹۲	۰/۲۷۶	-۱/۰۹	ROA
۳۴/۲۶		۵۱/۴۵		۱۰۱/۹۰		آماره LR
۰/۰۰		۰/۰۰		۰/۰۰		احتمال آماره LR
۰/۰۴۹		۰/۰۵۴۴		۰/۱۱۰		ضریب تشخیص McFadden
-۳۲۷/۵۷۷		-۴۴۷/۳۳۴		-۴۱۱/۸۰۶		لگاریتم درست‌نمایی مقید
۱/۴۷۰		۲/۸۲۳		۰/۳۷۴		آماره ولدريج
۰/۲۷۰		۰/۱۴۳		۰/۵۶۳		احتمال آماره ولدريج

\*منبع: یافته‌های پژوهش

شواهد بیشتر در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که قابلیت‌های مدیران بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی در هر سه گروه کل شرکت‌ها، شرکت‌های دارای تجدید ارائه افزایشی و شرکت‌های دارای تجدید ارائه کاهشی دارای آثار منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. این یافته با مبانی نظری پژوهش و مطالعه وانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی نیز در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۴ نتایج مرتبط با آزمون الگوهای فرضیه‌های دوم، چهارم و ششم پژوهش را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، شاخص نکویی برازش (آماره LR) نشان‌دهنده معناداری کلی الگوهای آزمون شده است؛ بر اساس شاخص Log Likelihood نیز هر سه الگو در حالت کلی معنادار هستند. ضریب تشخیص مک فادن نیز نشان می‌دهد که در هر الگو چند درصد از

تغییرات متغیر وابسته به وسیله‌ی متغیر مستقل و سایر متغیرهای کنترل توضیح داده می‌شود. افزون بر این، با توجه به معنادار نبودن آماره ولدریج در هر سه الگوی مندرج در جدول شماره ۴، می‌توان گفت که باقیمانده الگوها با هم خود همبستگی سریالی ندارند.

جدول ۴: نتایج حاصل از برآورد الگوهای مرتبط با آزمون فرضیه‌های دوم، چهارم و ششم

فرضیه ششم		فرضیه چهارم		فرضیه دوم		نام متغیر
سطح خطا	آماره Z	سطح خطا	آماره Z	سطح خطا	آماره Z	
۰/۱۵۲	۱/۱۳	۰/۰۶۵	۱/۸۵	۰/۳۳۸	۰/۹۶	$\alpha_0$
۰/۰۰۸	-۲/۶۵	-	-	۰/۰۰۰	-۴/۹۶	TALENT
۰/۰۰۰	-۳/۵۶	۰/۰۰۰	-۴/۲۶	-	-	PCON
۰/۰۲۴	-۲/۲۵	-	-	-	-	PCON*TALENT
۰/۰۰۸	-۲/۶۶	۰/۰۱۱	-۲/۵۳	۰/۰۳۵	-۲/۱۱	SIZE
۰/۰۱۲	-۲/۵۱	۰/۰۳۴	-۲/۱۲	۰/۰۱۶	-۲/۴۱	LIQUID
۰/۰۱۷	۲/۳۸	۰/۰۳۷	۲/۰۹	۰/۰۴۸	۱/۹۷	LEV
۰/۰۰۰	-۴/۱۴	۰/۰۰۰	-۴/۲۷	۰/۰۰۰	-۴/۱۲	MTB
۰/۱۷۳	۱/۳۶	۰/۲۳۱	۱/۲۰	۰/۰۷۳	۱/۸۰	LOSS
۰/۰۰۰	-۵/۳۷	۰/۰۰۰	-۵/۶۳	۰/۰۰۰	-۵/۱۵	ROA
۲۶۱/۴۷		۲۳۴/۶۷		۲۴۱/۶۸		آماره LR
۰/۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰		احتمال آماره LR
۰/۳۶۹		۰/۳۳۲		۰/۳۴۱		ضریب تشخیص McFadden
-۲۲۲/۷۳۰		-۲۳۶/۱۲۸		-۲۴۱/۶۸		لگاریتم درست‌نمایی مقید
۳/۱۲۳		۲/۶۷۸		۳/۴۶۲		آماره ولدریج
۰/۱۲۷		۰/۱۵۲		۰/۱۱۲		احتمال آماره ولدریج

\*منبع: یافته‌های پژوهش

شواهد بیشتر مربوط به فرضیه دوم در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که قابلیت‌های مدیران بر احتمال ورشکستگی آثار منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. به عبارتی، با افزایش قابلیت‌های مدیران شرکت‌ها، احتمال ورشکستگی آنها کاهش پیدا می‌کند. این یافته با مبانی نظری پژوهش و مطالعه وانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. هم‌چنین، اطلاعات مرتبط با فرضیه چهارم پژوهش نیز نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی بر احتمال ورشکستگی شرکت‌ها آثار منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه ششم پژوهش نیز نشان می‌دهد که هم قابلیت‌های مدیران و هم ارتباطات سیاسی دارای آثار منفی و معناداری بر احتمال ورشکستگی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد.

ضریب اثر تعاملی قابلیت‌های مدیران و ارتباطات سیاسی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد منفی و معنادار است. افزون بر این، نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی برای هر سه فرضیه نیز در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۵ نتایج مرتبط با آزمون الگوهای فرضیه سوم پژوهش را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، شاخص نکویی برازش (آماره LR) نشان‌دهنده معناداری کلی الگوهای آزمون شده است؛ بر اساس شاخص Log Likelihood نیز هر سه الگو در حالت کلی معنادار هستند. ضریب تشخیص مک فادن نیز نشان می‌دهد که در هر الگو چند درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله‌ی متغیر مستقل و سایر متغیرهای کنترل توضیح داده می‌شود. افزون بر این، با توجه به معنادار نبودن آماره ولدریج در هر سه الگوی مندرج در جدول شماره ۵، می‌توان گفت که باقیمانده الگوها با هم خود همبستگی سریالی ندارند.

جدول ۵: نتایج حاصل از برآورد الگوهای مرتبط با آزمون فرضیه سوم

نام متغیر	کل شرکت‌های نمونه		شرکت‌های دارای تجدید ارائه افزایشی		شرکت‌های دارای تجدید ارائه کاهش	
	آماره z	سطح خطا	آماره z	سطح خطا	آماره z	سطح خطا
$\alpha_0$	-۲/۴۲	۰/۰۱۵	-۲/۸۰	۰/۰۰۵	-۳/۵۵	۰/۰۰۰
PCON	-۴/۵۱	۰/۰۰۰	-۳/۳۴	۰/۰۰۱	-۲/۱۱	۰/۰۳۵
SIZE	۴/۲۲	۰/۰۰۰	۱/۴۲	۰/۱۵۶	۳/۲۸	۰/۰۰۱
LIQUID	۲/۰۶	۰/۰۴۰	۲/۹۰	۰/۰۰۴	-۰/۴۱	۰/۶۸۴
LEV	۰/۸۲	۰/۴۱۰	۲/۳۵	۰/۰۱۹	-۱/۱۵	۰/۲۵۲
MTB	-۲/۹۲	۰/۰۰۴	-۱/۱۴	۰/۲۵۲	-۱/۹۵	۰/۰۵۱
LOSS	-۱/۱۶	۰/۲۴۸	-۲/۲۲	۰/۰۲۷	۰/۵۹	۰/۵۵۷
ROA	-۱/۶۳	۰/۱۰۴	۰/۵۳	۰/۵۹۸	۰/۳۳	۰/۷۴۵
آماره LR	۵۲/۹۷		۲۹/۳۴		۲۵/۴۹	
احتمال آماره LR	۰/۰۰		۰/۰۰		۰/۰۰	
ضریب تشخیص McFadden	۰/۰۵۷		۰/۰۳۱		۰/۰۳۷۰	
لگاریتم درست‌نمایی مقید	-۴۶۳/۲۷۰		-۴۵۸/۳۸۷		-۳۳۱/۹۶۲	
آماره ولدریج	۰/۰۶۹		۱/۲۶۹		۲/۱۵۹	
احتمال آماره ولدریج	۰/۸۰۱		۰/۳۰۳		۰/۱۹۲	

\*منبع: یافته‌های پژوهش

شواهد بیشتر در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی در هر سه گروه کل شرکت‌ها، شرکت‌های دارای تجدید ارائه افزایشی و

شرکت‌های دارای تجدید ارائه کاهشی دارای آثار منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. این یافته با مبانی نظری پژوهش و مطالعه وانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی هر سه الگوی آزمون شده نیز در جدول شماره ۵ ارائه شده است. جدول شماره ۶ نیز نتایج مرتبط با آزمون الگوهای فرضیه پنجم پژوهش را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، شاخص نکویی برازش (آماره LR) نشان‌دهنده معناداری کلی الگوهای آزمون شده است؛ بر اساس شاخص Log Likelihood نیز هر سه الگو در حالت کلی معنادار هستند. ضریب تشخیص مک فادن نیز نشان می‌دهد که در هر الگو چند درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله‌ی متغیر مستقل و سایر متغیرهای کنترل توضیح داده می‌شود. افزون بر این، با توجه به معنادار نبودن آماره ولدریج در هر سه الگوی مندرج در جدول شماره ۶، می‌توان گفت که باقیمانده الگوها با هم خود همبستگی سریالی ندارند.

جدول ۶: نتایج حاصل از برآورد الگوهای مرتبط با آزمون فرضیه پنجم

شرکت‌های دارای تجدید ارائه کاهشی		شرکت‌های دارای تجدید ارائه افزایشی		کل شرکت‌های نمونه		نام متغیر
سطح خطا	آماره z	سطح خطا	آماره z	سطح خطا	آماره z	
۰/۰۰۰	-۳/۴۵	۰/۰۱۳	-۲/۴۹	۰/۰۱۲	-۲/۵۱	$\alpha_0$
۰/۰۷۹	-۱/۷۶	۰/۰۰۱	-۳/۲۳	۰/۰۰۰	-۴/۳۴	TALENT
۰/۱۷۱	-۱/۳۷	۰/۰۳۸	-۲/۰۸	۰/۰۳۰	-۲/۱۶	PCON
۰/۰۷۱	-۱/۸۱	۰/۰۳۱	-۲/۱۵	۰/۰۰۰	-۳/۹۰	PCON*TALENT
۰/۰۰۲	۳/۰۹	۰/۱۹۷	۱/۲۹	۰/۰۰۰	۴/۲۱	SIZE
۰/۴۶۹	-۰/۷۲	۰/۰۱۴	۲/۴۷	۰/۱۷۳	۱/۳۶	LIQUID
۰/۲۷۱	-۱/۱۰	۰/۰۱۳	۲/۴۸	۰/۲۸۴	۱/۰۷	LEV
۰/۰۶۹	-۱/۸۲	۰/۳۱۱	-۱/۰۱	۰/۰۰۳	-۳/۰۰	MTB
۰/۵۹۸	۰/۵۳	۰/۰۱۶	-۲/۴۰	۰/۱۳۰	-۱/۵۱	LOSS
۰/۶۰۸	۰/۵۱	۰/۴۴۷	۰/۷۶	۰/۲۰۳	-۱/۲۷	ROA
۴۰/۰۱		۶۲/۳۰		۱۳۱/۲۶		آماره LR
۰/۰۰		۰/۰۰		۰/۰۰		احتمال آماره LR
۰/۰۵۸		۰/۰۶۵۹		۰/۱۴۱		ضریب تشخیص McFadden
-۳۲۴/۷۰۶		-۴۴۱/۹۰۶		-۳۹۷/۱۲۵		لگاریتم درست‌نمایی مقید
۱/۶۹۲		۳/۳۰۶		۱/۱۲۷		آماره ولدریج
۰/۲۴۱		۰/۱۱۸		۰/۳۲۹		احتمال آماره ولدریج

\*منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج مرتبط با آزمون فرضیه پنجم مندرج در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که قابلیت‌های مدیران بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی در هر سه گروه کل شرکت‌ها، شرکت‌های دارای تجدید ارائه افزایشی و شرکت‌های دارای تجدید ارائه کاهش‌ی دارای آثار منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۰ درصد است. همچنین، ارتباطات سیاسی نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد در گروه کل شرکت‌ها و شرکت‌های دارای تجدید ارائه افزایشی دارای آثار منفی بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی است، اما در گروه شرکت‌های دارای تجدید ارائه کاهش‌ی این رابطه معنادار نیست. افزون بر این، ضریب اثر تعاملی قابلیت‌های مدیران و ارتباطات سیاسی نیز در هر سه گروه مورد آزمون در سطح اطمینان ۹۰ درصد منفی و معنادار است. این یافته مطابق با مبنای نظری پژوهش است. نتایج مرتبط با متغیرهای کنترلی هر سه الگوی آزمون شده نیز در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

#### ۷- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی آثار تعدیل کنندگی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین قابلیت‌های مدیران با تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی از سه معیار شامل (تجدید در ارائه صورت‌های مالی، تجدید ارائه افزایشی، تجدید ارائه کاهش‌ی) و برای اندازه‌گیری احتمال ورشکستگی از مدل تعدیل شده آلتمن ( $Z - Score$ ) استفاده شده است. بدین منظور شش فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که قابلیت‌های مدیران تأثیر منفی و معناداری بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی دارد. بنابراین می‌توان بیان کرد که قابلیت‌های مدیران موجب کاهش گزارشگری متقلبانه و احتمال ورشکستگی می‌شود. بدین معنی است که مدیران توانایی‌های خودشان را در اداره برآوردها و قضاوت‌های دقیق‌تر نشان دهند. بنابراین ممکن است مدیران با توانایی عملیاتی بالاتر، آگاهی بیشتری در خصوص وضعیت آتی شرکت، صنعت و روند اقتصادی داشته باشند. از این جهت انتظار می‌رود اقلام تعهدی برآورد شده توسط مدیریت مذکور دقیق‌تر باشند. برای مثال در خصوص برآورد مطالبات مشکوک الوصول یک با ارزیابی ضعیف‌تر، ممکن است تنها از نرخ تاریخی مطالبات سوخته شده شرکت استفاده کند. در حالی که یک مدیر توانا ارزیابی بالاتر، علاوه بر روند تاریخی سوخت مطالبات، متغیرهای کلان اقتصادی، استانداردهای صنعت و تغییرات ساختار مشتریان را نیز مدنظر قرار دهد. همچنین می‌توان بیان کرد که هرچه توانایی‌های مدیریتی و ذاتی مدیر بیشتر باشد؛ کیفیت سود گزارش شده بالاتر خواهد بود. در مجموع شواهد حاکی از آن است که مدیران با تخصص و تجارب بیشتر، احتمال تعدیلات سنواتی و گزارشگری غیر واقعی را کاهش می‌دهند. براین اساس، احتمال می‌رود توانایی‌های مدیریت در محیط گزارشگری شرکت موجب افزایش کیفیت



گزارشگری مالی و کاهش تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی می‌شود.

هم‌چنین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی دارد. علاوه بر این نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین قابلیت‌های مدیران و تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی دارد. بنابراین بر اساس مبانی نظری شرکت‌های برخوردار از حمایت‌های سیاسی از مزایای بودجه نرم برخوردار می‌شوند. این شرکت‌ها از یک طرف قادر خواهند بود کالاها و خدمات مورد نیاز برای انجام عملیات خود را با شرایط اعتباری مناسب تأمین نمایند، به سهولت منابع مالی مورد نیاز خود را از بازار پول و بازار سرمایه تأمین می‌کنند، در بحران‌های مالی از حمایت‌های دولتی برخوردار هستند، و در مجموع دغدغه‌های نقدینگی در این شرکت‌ها کمتر بوده و مدیران تمایل کمتری به نگهداری سطح بالایی نقدینگی دارند. از طرف دیگر این ارتباطات سیاسی با مالکیت نهادی دولت که در اغلب این شرکت‌ها وجود دارد، همراه شده و شرایط اعمال فشار برای توزیع سود بیشتر را به‌عنوان جایگزینی برای نظارت مستقیم طبق تئوری هزینه نمایندگی فراهم می‌آورد. همچنین مطابق با مبانی نظری، شرکت‌های دارای حمایت‌های سیاسی دارای ریسک کمتری هستند، زیرا در بحران‌های مالی از مزایای این حمایت‌ها برخوردار خواهند بود. این موضوع باعث می‌شود این شرکت‌ها نسبت به سایرین به جهت سرمایه‌گذاری از جذابیت بیشتری برخوردار باشند. علاوه بر این می‌توان استدلال نمود که در اقتصادی که رانت جویی از طریق ارتباطات سیاسی، نه تنها برای کسب و کار ضروری است بلکه برای رسیدن به آن رقابت وجود دارد، سرمایه‌گذاران در بازار سهام چنین کشورهایی به‌صورت نظام‌مندی تمایل دارند برای به دست آوردن سهام شرکت‌هایی که به لحاظ سیاسی دارای ارتباط هستند با همدیگر در ارائه پیشنهاد قیمتی بالاتر رقابت کنند. به عبارت دیگر، ارتباطات سیاسی می‌تواند این پیام را برای سرمایه‌گذاران داشته باشد که در جایی که روابط سیاسی هست، رانت‌های اقتصادی برای شرکت‌های دارای روابط سیاسی وجود خواهد داشت و وجود چنین ارتباطاتی میان شرکت‌ها و دولت، صرف‌نظر از سایر مزایا و معایبی که در تحقیقات گذشته به آن‌ها پرداخته شده است، می‌تواند تأثیر با اهمیتی بر تخصیص بهینه منابع در بازار سرمایه داشته باشد. شرکت‌های تحت حمایت، بواسطه برخوردارای از این مزایا، نسبت به فشارهای بازار و رقابت‌های معمول حساس نیستند، بنابراین نسبت به سایر شرکت‌ها در جذب سرمایه در موقعیت بهتر و جذاب‌تری قرار می‌گیرند و این موضوع باعث می‌شود تخصیص منابع به‌صورت بهینه صورت گیرد و در نهایت موجب کاهش هزینه نمایندگی و افزایش ارزش شرکت و کاهش تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی شرکت شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش که بیانگر رابطه منفی و معنی‌دار بین توانایی مدیران و تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی از یک طرف و علاوه بر این رابطه منفی بین ارتباطات سیاسی و تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی از

طرف دیگر است، بنابراین به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود، در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود به توانایی مدیران و ارتباطات سیاسی توجه نموده و به منظور متحمل شدن ریسک کمتر، در شرکت‌هایی با مدیران تواناتر و یا شرکت‌های با روابط سیاسی بیشتر، سرمایه‌گذاری کنند. البته با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی روابط سیاسی بر رابطه بین قابلیت‌های مدیران و تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی، در صورتی که شرکتی دارای روابط سیاسی است، صرف نظر از توانایی مدیریت، این شرکت کمتر به تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی روی خواهد آورد.

با انجام هر پژوهش، راه به‌سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است؛ بنابراین، انجام پژوهش‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی.
۲. بررسی تأثیر تخصص مالی مدیران بر تجدید ارائه‌های متقلبانه صورت‌های مالی و احتمال ورشکستگی در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها.
۳. الگوهای این پژوهش برای تمامی صنایع عضو نمونه آماری به‌صورت یکجا برآورد شده‌اند. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی هر یک از الگوهای این پژوهش را برای صنایع مختلف (سیمان و آهک، شیمیایی، فلزات اساسی و...) به تفکیک برآورد شود.

## ۸- محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

عدم تعدیل ارقام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم که ممکن است بر نتایج پژوهش مؤثر باشد.

عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج تحقیق از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات و... خارج از دسترس محقق بوده و ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد.

## ۹- فهرست منابع

### الف- منابع فارسی:

۱. ابراهیمی، مهدی و طالب نیا، قدرت الله. (۱۳۹۳)، تأثیر مولفه‌های مدیریت دانش بر تقلب گزارش‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۵ (۱۳ و ۱۴)، ۶۱-۷۵.
۲. اعتمادی، حسین و زلفی، حسن. (۱۳۹۲). کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه، فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۳ (۵۱)، ۱۴۵-۱۶۳.
۳. مهران، ساسان، باقری، بهروز. (۱۳۸۸). بررسی اثر جریانهای نقدی آزاد و سهامداران نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۲ (۲): ۵۱-۶۴.
۴. داودی نصر، مجید و فاطمه حبیبی (۱۳۹۴) تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی در بورس اوراق

- بهادر تهران، <http://www.civilica.com/PaperICMSSCONF01.html>، ۰۹۹\_ICMSSCONF.
۵. نیکومرام، هاشم، بنی‌مهد، بهمن. رهنمای رودپشتی، فریدون. و کیانی، علی (۱۳۹۲) دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود، فصلنامه حسابداری مدیریت، دوره ۶(۱۸): ۳۱-۴۳.
  ۶. ایزدینیا، ناصر. گوگرد چیان، احمد و تنباکویی، مژگان. (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۲۱)، ۳۶-۲۱.
  ۷. بزرگ اصل موسی و صالح زاده، بیستون. (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابرسی، ۵۸: ۱۵۳-۱۷۰.
  ۸. پیری، پرویز، دیدار، حمزه و خدایار یگانه، سیما. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۲۱)، ۹۹-۱۱۸.
  ۹. جامعی، رضا و رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵)، تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸(۲۹)، ۱-۱۷.
  ۱۰. حجازی، رضوان و مختاری نژاد، حمیدرضا. (۱۳۹۶). رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری متقلبان. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۳)، ۳۳-۶۰.
  ۱۱. درزی رامندی، امیر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر گزارشگری متقلبان بر خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر مالکیت مدیریتی. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۱(۱)، ۱۴-۲۸.
  ۱۲. رضایی، فرزین، و افروزی، لیلیا. (۱۳۹۴). رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی. پژوهش حسابداری، ۴(۱۶)، ۸۵-۱۱۲.
  ۱۳. رهنمای رودپشتی، فریدون، علی خانی، راضیه و مران جوری، مهدی. (۱۳۸۸)، بررسی کاربرد مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر در شرکت بهادارهای پذیرفته شده در بورس اوراق تهران؛ بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۵)، ۱۹-۳۴.
  ۱۴. صدیقی کمال، لیلیا. (۱۳۹۲). تقلب در صورت‌های مالی بر اساس گزارش انجمن بازرسان رسمی تقلب، مجله حسابرسی، ۶۴، ۱۱۶-۱۲۰.
  ۱۵. صفرزاده، محمدحسین. (۱۳۸۹)، توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی، فصلنامه دانش حسابداری، ۱، ۱۳۷-۱۶۳.
  ۱۶. عزیززاده، طاهره و خداداده‌ی شاملو، ناصر. (۱۳۹۸). ارتباط بین ضعف کنترل‌های داخلی و گزارشگری مالی متقلبان با تأکید بر کیفیت حسابرسی. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۲(۱۳)، ۵۳-۶۹.
  ۱۷. فرج زاده دهکردی، حسن و آقایی، لیلیا. (۱۳۹۳). سیاست تقسیم سود و گزارشگری متقلبان. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۵)، ۹۷-۱۱۴.
  ۱۸. منتظری، رقیه و اقدم مزرعه، یعقوب. (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر درصد مالکیت مالکان نهادی بر احتمال گزارشگری مالی متقلبان، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، بصورت الکترونیکی، موسسه پژوهشی البرز، <https://www.civilica.com/Paper-MAIE01.html>، ۱\_۵۶\_MAIE.
  ۱۹. مهران پور، محمد رضا، جندقی قمی، محمد و محمدی، منظور. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته. دوفصلنامه حسابداری ارزشی رفتاری، ۲(۳)، ۱۴۷-۱۶۸.
  ۲۰. وکیلی فرد، حمیدرضا، جبارزاده کنگرلوئی، سعید، پوررضا سلطان احمدی، اکبر. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی، نشریه حسابدار، سال ۲۴(۲۱)، ۴۱-۳۶.

### ب- منابع خارجی:

1. Cressey, D. (1973). Other People's Money: A Study in the Social Psychology of Embezzlement. Patterson Smith, Montclair, NJ.
2. Badertscher, B.A.; Collins, D.W.; Lys, T.Z. (2012). Discretionary accounting choices and the predictive ability of accruals with respect to future cash flows. Journal of Accounting

- and Economics, 53(1-2), 330-352.
3. Peter Demerjian, Melissa Lewis, Sarah McVay. (2012). Managerial Ability and Earnings Management. Available in: [www.olin.wustl.edu](http://www.olin.wustl.edu). Pp 258-302.
  4. Berkman, H. and Galporthage, V. (2016). Political connections and firm value: an analysis of listed firms in Sri Lanka. *Pacific Accounting Review*, 28 (1), (in-press), <http://dx.doi.org/10.1108/PAR-06-2014-0020>.
  5. Faccio, M. (2010). Differences between politically-connected and non-connected firms: a cross country analysis. *Financial Management*, Vol. 39, No. 3, pp. 905-928
  6. Chaney, P.K., Faccio, M., Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1&2): 58-76.
  7. Johnson, S., and T. Mitton. ۲۰۰۳. Cronyism and capital controls: evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics* ۳۸۲-۳۵۱:(۲) ۶۷.
  8. Aning Sejati, Y. ۲۰۰۹, Political connections and earnings quality : evidence from Malaysia. phd dissertation, Oklahoma state university
  9. Faccio, M., R. W. Masulis, and J. J. McConnell. ۲۰۰۶. Political Connections and Corporate Bailouts. *The Journal of Finance* ۶۱ (۱).
  - 10.
  11. Andreou P. Ehrlich D. Louca C. (2013). Managerial ability and firm performance. Evidence from the global financial crisis. Working paper, Available at <http://www.mfsociety.org/page.php?pageID=32>
  12. Baik B. Farber D. Lee S. (2011). CEO ability and management earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 28: 1645–1668.
  13. Bliss, Mark A. and Gul, Ferdinand A. (2012), Political connection and cost of debt: Some Malaysian evidence, *Journal of Banking & Finance*, 36 (5), 1520 –1527.
  14. Borisova, G., Brockman, P., Salas, J. M., & Zagorchev, A. (2012). Government ownership and corporate governance: Evidence from the EU. *Journal of Banking & Finance*. 36:2917-2934.
  15. Caskey, J.; Hanlon, M. (2013). Dividend Policy at Firms Accused of Accounting Fraud Dividend Policy at Firms Accused of Accounting Fraud. *Contemporary Accounting Research*, 30(2), 818-850.
  16. Chaney, P. K., Faccio, M., & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically-connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51, 58–76.
  17. Demerjian P. Lev B. McVay S. (2012). Quantifying managerial ability, a new measure and validity tests. *Management Science*, 58: 1229–1248.
  18. Demerjian, P. R., B. Lev, M. F. Lewis, and S. E. McVay. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88 (2), 463-498.
  19. Faccio, M., Masulis, R. W., & McConnell, J. J. (2006). Political connections and corporate bailouts. *The Journal of Finance*, 61 (6):2597-2635.
  20. Francis J. Huang A. Rajgopal S. Zang A Y. (2008). CEO reputation and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 25, 109–147.
  21. Gan H. Park M. S. (2017). CEO managerial ability and the marginal value of cash. *Advances in Accounting*, 38: 126–135.
  22. García-Meca, E., & García-Sánchez, I.-M. (2018). Does managerial ability influence the quality of financial reporting?. *European Management Journal*, 36(4), 544–557.
  23. Goodman T H. Neamtiu M. Shroff N. White H D. (2013). Management forecast quality and capital investment decisions. *The Accounting Review*, 89: 331–365.
  24. Habib, A., Muhammadi, A., & Jiang, H. (2017). Political Connections and Related Party Transactions: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting*, 52: 45-63.
  25. Houston, J. F., Jiang, L., Lin, C., & Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52 (1): 193-243.

26. Huang, H.W., and S. Thiruvadi. (2010). Audit committee characteristic and corporate fraud. *International Journal of Public Information Systems*, 71-82.
27. Krishnan, G.V., Wang, C. (2015). The relation between managerial ability, and audit fees and going concern opinion. *Audit. J. Pract. Theory*, 34 (3), 139–160.
28. Li, H., Meng, L., Wang, Q., & Zhou, L. (2008). Political connections, financing and firm performance: Evidence from Chinese private firms. *Journal of Development Economics*, 87: 283-299.
29. Li, S; Park, S.H.; Bao R.S. (2014). How much can we trust the financial report?: Earnings management in emerging economies. *International Journal of Emerging Markets*, 9(1), 33-53.
30. Razali, W. A. A. W. M., and R. Arshad. (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 145: 243 ± 253.
31. Rezaee, Z; Riley, R. (2010). *Financial Statement Fraud*, New Jersey:Willy.
32. Szwajkowski, E. (1985). Organizational illegality: theoretical integration and illustrative application. *Acad. Manag. Rev.* 10 (3), 558–567.
33. Wang, Z., Chen, M.-H., Chin, C. L., & Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36(2), 141–162.